

صفحات ۱۰۶-۸۹

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری: در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی

ابوالحسن مجتهد سلیمانی^۱اعظم مهدوی پور^۲بیژن دارایی^۳اسدالله ابدالی^۴

چکیده

از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری است که قانونگذار در ماده ۶۶ قانون مذکور به آن پرداخته است. همکاری متقابل میان سمن‌ها و مردم در زمینه حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی علاوه بر اینکه به کاهش رقم سیاه بزه کاری کمک مؤثری خواهد کرد، در بسیاری موارد قاطعیت و حضور مردم است که می‌تواند در مورد جرایم علیه حقوق و اخلاق شهروندی روند رسیدگی به یک پرونده را به پیش ببرد. با وجود این نهادهای دولتی، مداخله‌ی سمن‌ها در دادرسی تا حدی غیرضروری به نظر می‌رسد؛ اما اینگونه نیست، ارتباط متقابل و دو جانبه‌ی سمن‌ها و سازمان‌های دولتی با یکدیگر از یک سو به کنترل اجتماعی و تعمیق نظارت و حفاظت از این امور در جامعه و از سوی دیگر، در بعد قضایی به کشف جرایم، جمع‌آوری دلایل، شناسایی مرتکبان و حصول نتیجه دلخواه کمک شایانی خواهد کرد؛ نگارندگان در این مقاله با روش تحلیلی^۵ توصیفی به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری به بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در رسیدگی‌های کیفری؛ در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی پرداخته است.

واژگان کلیدی

سازمان‌های مردم‌نهاد، دادرسی کیفری، اخلاق، حقوق شهروندی

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران؛ نویسنده مسئول. Sarsabz313@gmail.com

۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران. amahdavi poor@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد، ایران.

daraeibijan@yahoo.com

۴. دانشجو دکتری تخصصی فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی، تهران. a.abdali90@yahoo.com

طرح مسئله

سازمان‌های مردم‌نهادی که در زمینه حمایت حقوق و اخلاق شهروندی فعالیت می‌کنند؛ منبع اصلی و گاهی منحصر به فرد اطلاعات چنین افرادی می‌باشند. اشراف کاملی که این نهادها بر موارد نقض حقوق بزه‌دیدگان دارند، باعث گردیده است شمار بسیاری از پرونده‌های مطروحه در مراجع قضایی به دنبال گزارش آنان و یا تشویق بزه‌دیده به طرح شکایت مفتوح گردد. به منظور استفاده از این پتانسیل مهم، تصویب قوانینی که زمینه ساز ایفای نقش مؤثرتر این نهادها در مراحل مختلف دادرسی باشد، همواره احساس می‌گردد. ضمن آنکه سیاست جنایی قضایی نیز چنین گرایشی را دنبال می‌کند. به نحوی که در چشم انداز پنج ساله دوم توسعه قضایی کشور توصیه به بهره‌مندی از مشارکت‌های مردمی و نهادهای شبه قضایی شده است که می‌توان در این راستا افزایش شمار نهادهای مدنی مرتبط با نظام قضایی به ویژه شوراهای حل اختلاف، ایجاد مراکز حمایتی از بزه‌دیدگان با مشارکت بخش خصوصی و افزایش نهادهای مشاوره‌ای و حمایتی را نام برد؛ سرانجام در نوآوری‌های به عمل آمده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار به این باور رسیده است که به منظور حمایت از بزه‌دیده، علاوه بر حمایت کیفری و دیگر حمایت‌های قانونی در چارچوب یک سیاست کیفری، نیازمند مشارکت و همکاری دولت و جامعه مدنی بر سایه یک سیاست جنایی مشارکتی نیز می‌باشد.

گفتار اول: مفهوم سازمان‌های مردم‌نهاد

به دلایل متعددی ارائه‌ی تعریف واحدی جامع و دقیق از سازمان‌های مردم‌نهاد مشکل است. بنظر می‌رسد مهم‌ترین علت تشتت تعاریف در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد، متعدد بودن ساختار، گونه‌ها و اهداف سازمان‌های مردم‌نهاد باشد.^۱ امروزه عرصه‌های فعالیت این سازمان‌ها چنان گسترده و گوناگون شده است که برآستی برشمردن تمامی آنها غیر ممکن می‌نماید. دیگر برخلاف ابتدای راه این سازمان‌ها، فعالیت آن‌ها به اقداماتی خیریه‌ای و فقرزدایی یا کمک به قربانیان جنگ‌ها محدود نمی‌گردد. بلکه هر آنچه که جامعه مدنی را به خود جذب می‌نماید ممکن است موضوعی برای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد باشد.

در واقع سازمان‌های مردم‌نهاد در تمامی عرصه‌های حمایتی، امدادی، حقوقی، حقوق بشری، محیط زیست، فقرزدایی، پزشکی و .. وارد گشته‌اند و فعالیتشان نه تنها در محدوده جغرافیایی اعضای این سازمان‌ها، بلکه به فراخور موضوع، ممکن است به سطحی، محلی، ملی و بین‌المللی بسط یابد و همین امر خود به مانعی برای رسیدن به تعریفی نظری و عملی از

۱. گلشن پژوه؛ محمدرضا؛ راهنمای سازمان‌های غیردولتی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۷۹.

سازمان‌های مردم‌نهاد تبدیل گشته است.^۱ دیگر دلایل ممتنع بودن ارائه‌ی تعریفی واحد از سازمان‌های مردم‌نهاد عبارتند از: تشکیل این سازمان‌ها بر اساس حقوق داخلی دولت‌ها،^۲ عدم ثبات در استفاده از اصطلاح سازمان‌های مردم‌نهاد،^۳ ماهیت چند بعدی این سازمان‌ها و میان‌رشته‌ای بودن ادبیات سازمان‌های مردم‌نهاد است.^۴ بنابراین بنظر می‌رسد دستیابی به اتفاق نظری در خصوص تعریف این سازمان‌ها ناممکن باشد.

شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد، براساس اختیاراتی که ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد به آن داده است، در سال ۱۹۹۶ قطعنامه‌ای در خصوص چگونگی مشورت سازمان ملل با سازمان‌های مردم‌نهاد به تصویب رسانده است که به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین سند مرتبط با چگونگی مشورت و رایزنی سازمان‌های مردم‌نهاد با سازمان ملل و ارگان‌های تابعه محسوب می‌گردد.^۵ ماده‌ی ۱۲ این قطعنامه سازمان‌های مردم‌نهاد را به نحو سلیبی این‌گونه تعریف می‌نماید:

«... هرگونه سازمانی که از طریق یک موجودیت دولتی با موافقتنامه بین‌الدولی تشکیل نشود...»^۶

همچنین برابر با مفاد این قطعنامه این سازمان‌ها باید ضرورتاً منابع مالی خود را تنها از طریق حق عضویت از اعضای خود تأمین کنند و هرگونه کمک مالی مستقیم یا غیرمستقیم از منابع دولتی را به اطلاع سازمان ملل متحد برسانند.^۷ اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد که تأمین‌کننده ارتباط این سازمان با سازمان‌های مردم‌نهاد بوده^۸ و با بیش از ۱۳۰۰ سازمان مردم‌نهاد در سراسر جهان مرتبط است، سازمان مردم‌نهادی را اینگونه تعریف نموده است:

«هر سازمان غیر دولتی که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با

1. Ryfman, philippe, *Les ONG, la Decouverte, paris, 2009. p17.*

۲. گلشن پژوه؛ محمدرضا؛ همان.

۳. محمدی، محمد؛ سازمان‌های غیردولتی، تعاریف و طبقه‌بندی‌ها، فصلنامه مطالعه مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۴۲-۴۱، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸.

۴. همان، ص ۲۵۱.

۵. گلشن پژوه؛ محمدرضا؛ راهنمای سازمان‌های غیردولتی، پیشین، ص ۱۰۵.

6 *Resolution 1996/ 31 of the Economic and Social council: Consultative relationship between the United Nations and non – governmental organizations.*

7. *Philippe Ryfman, op, cit. p18.*

8. *Philippe Ryfman, op, cit. p18.*

علائق مشترک آن را اداره می‌کنند. خدمات انسان دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال دولت‌ها، نظارت بر سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در امور خارجه در شمار فعالیت‌های این سازمان‌ها قرار می‌گیرد. سازمان‌هایی از این دست با تحلیل و کارشناسی امور، نقشی مشابه سازو کارهای هشداردهنده را بازی می‌کنند.^۱

جامع‌ترین مصوبه‌ای که تا کنون در زمینه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به تصویب رسیده و همچنان قدرت اجرایی دارد، «آئین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد» مصوب ۲۹ خرداد سال ۱۳۸۴ هیأت وزیران است که در ماده‌ی ۱ خود، سازمان‌های مردم‌نهاد را بدین گونه معرفی می‌نماید:

«... تشکل‌هایی که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیر سیاسی می‌باشد».

آنچه که تحول در زمینه قانون‌گذاری در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور ایران، مربوط می‌گردد به طرح ارائه شده‌ی برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با عنوان «طرح تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد» که در سال ۱۳۸۹ مطرح شد و ۲۶ ماده از آن در صحن علنی مجلس به تصویب رسید؛ در ماده ۱ خود بدین تفصیل سازمان‌های مردم‌نهاد را تعریف می‌کند:

«سازمان مردم‌نهاد که از این پس در این قانون به اختصار سمن نامیده می‌شود به تشکلی اطلاق می‌گردد که در راستای اهداف عام‌المنفعه و صنفی توسط گروهی از اشخاص حقیقی و حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات ذیل در چهارچوب قانون اساسی، مبانی اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده و واجد شرایط غیرانتفاعی و غیر سیاسی است».

بنابراین اگر بخواهیم از منظری حقوقی^۲ به عنوان دیدگاه این پژوهش^۳ سازمان‌های مردم‌نهاد را تعریف نماییم، می‌توانیم بگوییم: سازمان مردم‌نهاد هرگونه سازمان، تشکل، گروه، جمعیت یا نهادی متشکل از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی است که برای هدف یا اهدافی معین، غیرانتفاعی و غیرسیاسی تشکیل و از جانب نظام حقوقی ملی یا بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و دارای شخصیت حقوقی مستقل است.

چنانچه از تعاریف مذکور پیداست اختلاف نظر در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد تنها به معنا و مفهوم و تعریف این پدیده محدود نمی‌گردد. بلکه در خصوص عنوان این سازمان‌ها نیز

1. [www, on org/ dpi/ negsection](http://www.on.org/dpi/negsection)

اتفاق نظر وجود ندارد و اسامی متعددی برای این سازمان‌ها پیشنهاد گردیده است. سازمان غیر دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های غیرانتفاعی، سازمان‌های داوطلبانه خصوصی، سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی، سازمان‌های حمایتی اجتماعات محلی، سازمان‌های جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی توسعه‌ای، سازمان‌های توده‌ای، سازمان‌های شبه غیردولتی، سازمان‌های داوطلبانه و ... همگی از عناوین بکار برده شده برای این پدیده هستند. در پژوهش حاضر برای نامگذاری اینگونه از سازمان‌ها، عنوان «**سازمان‌های مردم‌نهاد**» بر سایر عناوین ترجیح داده شده است، چرا که اولاً به نظر می‌رسد این عنوان گویای مشخصه‌ی اصلی این گونه سازمان‌ها که همانا مردمی و غیردولتی بودن است، می‌باشد. ثانیاً در ادبیات آکادمیک حال حاضر ایران، این عنوان از سایر عناوین بیشتر کاربرد دارد و به تدریج وارد ادبیات عامه مردم گشته است و در آخر، و از همه مهم‌تر، چنانکه در ادامه خواهیم دید، قانونگذار ایران این عنوان را در لسان قانونگذاری خویش انتخاب کرده و بکار برده است.

گفتار دوم: مبانی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد

برای حمایت از بزه‌دیده نباید تنها به بهره‌گیری از نیروهای رسمی اکتفا نمود. بلکه با استفاده از توان و کمک بخش‌های مختلف جامعه می‌تواند یاریگر بزه‌دیده در فرآیند کیفری باشد. اگر جامعه بخواهد به صورت سازمان یافته به بزه‌دیدگان کمک نماید، سازمان‌های غیردولتی و یا مردم‌نهاد یکی از ابزار مؤثر آن است.

امروزه سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد به عنوان نمایندگان جامعه در پیشبرد مسائل فرهنگی و اجتماعی جایگاه و نقش خطیر و اساسی‌ای دارند. حضور و نقش آفرینی این سازمان‌ها می‌تواند ضمن تأمین و تضمین مشارکت عموم مردم، بر کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف کشور اثرگذار باشد.

روشن است که برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه باید بسترهای مناسب برای مشارکت افراد جامعه را فراهم کرد. عدم تمرکز گرایی و ضابطه‌مند کردن حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اعتقاد به مفید بودن مشارکت عمومی در نظام اجتماعی از مهم‌ترین شرایط جهت استفاده از نظر و اندیشه‌های مردمی است.

در نظام حقوقی ایران، مشارکت مردم در اداره جامعه یکی از موضوعات مهمی است که در اصول ۳، ۶، ۷، ۸، ۲۹، ۵۶، ۵۹ و ۱۰۴ قانون اساسی بر آن تأکید شده است. از دیدگاه مبانی دینی کمک و همراهی به اشخاص نیازمند از یک سو و از سوی دیگر نظارت بر فعالیت‌های اجتماعی از مصادیق بارز «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان تکلیفی اجتماعی به شمار می‌رود.

شایسته است که برای تبیین جایگاه این سازمان‌ها، نخست به تعریف و مفهوم این سازمان‌ها اشاره شود. مطابق بند الف ماده ۱ «آیین‌نامه اجرائی تأسیس و فعالیت‌های غیردولتی»، «سازمان غیردولتی که در این آیین‌نامه سازمان نامیده می‌شود، به شکل‌هایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی و یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد»^۱.

در این ماده ویژگی‌هایی برای سازمان‌های غیردولتی گفته شده است. نخستین و اساسی‌ترین ویژگی این سازمان‌ها، غیردولتی بودن آنها است. عمده‌ترین دلیل این موضوع، تأمین بسترهای استقلال شخصیتی و کارکردی تشکلهای مذکور است.^۲

دومین ویژگی این سازمان‌ها، غیرسیاسی بودن آنها است. هرچند در مفهوم کلان، فعالیت این سازمان‌ها در بلندمدت بر برنامه‌ها و نظام سیاسی اثرگذار است و در نهایت سومین ویژگی این سازمان‌ها «غیرانتفاعی بودن» آنها است. تفاوت بارز این سازمان‌ها با شرکت‌های تجاری و بنگاه‌های اقتصادی در همین موضوع است.

به طور کلی نقش سازمان‌های غیردولتی را در فرآیند دادرسی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. در وهله نخست، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به عنوان شاکی و یا اعلام‌کننده جرم در فرآیند کیفری مشارکت کنند و در این مسیر است که به عنوان نمایندگان جامعه در برابر جرایم و ناهنجاری‌ها از خود واکنش نشان داده و با پیگیری‌های خود در برقراری امنیت گام مهمی بر می‌دارند.^۳ افزون بر این با امکاناتی که در اختیار دارند می‌توانند نقش چشمگیری در انتشار و پخش اخبار مناسب مربوط روال رسیدگی و دادگاه‌ها به افکار عمومی و رسانه‌ها داشته باشند.^۴

در گام دوم آنها می‌توانند در طول فرآیند دادرسی کیفری اقدامات مشاوره‌ای و امدادی مناسبی را برای بزه‌دیدگان انجام دهند. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به عنوان حلقه واسط میان شهود و بزه‌دیدگان فعالیت کنند. در این راستا می‌توانند کمک‌هایی را به این اشخاص ارائه

۱. آیین‌نامه مذکور طی تصویب نامه شماره ۵/۸۴ به شماره ۲۷۸۶۲/ت/ ۳۱۲۸۱ مورخ ۸/۵/۸۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده است.

۲. تیلا، پروانه، تأملی بر حقوق سازمان‌های غیردولتی در نگاهی ایرانی، اطلاع‌رسانی حقوقی، ۱۳۸۳، شماره ۵ و ۶ ص ۲۵.

۳. نوریان، ایوب؛ «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری»، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد در سال ۱۳۹۴، ص ۱۶.

4. Kareem Elbayar, *NGO Laws in Selected Arab States International Journal of Not – for – Profit Law*, vol, no. 4. September 2005, p.25.

کنند. از جمله این کمک‌ها انتقال اطلاعات لازم میان بزه‌دیده و شاهد یا ارائه آموزش‌های مناسب جهت برگزاری جلسات دادگاه‌ها و یا آنها را در یافتن مشاوره حقوقی است.^۱

در نهایت آنها می‌توانند در طول اجرای مرحله اجرای احکام یاریگر مجرمان باشند تا با اتخاذ تدابیر مناسب زمینه اصلاح و برگشت آنها به جامعه فراهم شود و حتی بعد از خروج از زندان نیز آن‌ها می‌توانند به این اشخاص آسیب‌پذیر مدد رسانند.^۲

براساس نقش و جایگاهی که سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کیفری دارند، می‌توان محورهایی را به منظور تعامل هر چه بیشتر پلیس و سازمان‌های غیردولتی را ترسیم کرد. بر این اساس ضمن تبیین جایگاه سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کیفری به نقش و تعامل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان با این سازمان‌ها می‌پردازیم.

یکی از اصول مهم سازمانی مقررات آیین دادرسی کیفری این است که جایگاه و سمت اشخاصی که وارد فرآیند کیفری می‌شوند، روشن باشد. ممکن است این شبهه مطرح شود که شرایطی که در مورد جایگاه و سمت اشخاص گفته می‌شود، ناظر به مقررات آیین دادرسی مدنی^۳ است که محور آن، «حقوق خصوصی» اشخاص است، اما موضوع حقوق کیفری، «حقوق عمومی» است و با تقاضای هر شخصی (چه ذی‌نفع و دارای سمت باشد یا این‌گونه نباشد) دعوا باید به جریان افتد، زیرا دعوای کیفری متعلق به جامعه است.

برای اینکه بتوان به شبهه بالا پاسخ درخوری داده شود باید مبنای فوق در نظام دادرسی کیفری ایران تبیین گردد. بر این اساس، یکی از آموزه‌های مبنایی و اثرگذار در حوزه فقهی و قانون آیین دادرسی کیفری از حیث تعقیب جرایم، تفکیک آن‌ها به جرایم حق‌اللهی و حق‌الناسی است.

در جرایم حق‌الناسی یا جرایمی که جنبه‌ی خصوصی آن بر جنبه‌ی عمومی برتری داشته باشد، تمام ویژگی‌هایی که در خصوص داشتن سمت در دعوای مدنی ضروری است، در این

۱. مهمدی، گلشن؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲، ص ۱۷.

۲. همچنین برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به:

کاترین، اس. ویلیام فر، حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳، صص ۲۲۴-۲۸۹ و رضانی قوام آبادی، محمد حسین؛ مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه؛ از تأسیس تا فعالیت؛ مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

۳. برای اطلاع بیشتر در زمینه‌ی شرایط اقامه‌ی دعوا در امور مدنی رجوع کنید به:

شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۵، انتشارات دراک، ص ۲۹۲.

دسته از جرایم نیز لازم است سمت اقامه کننده دعوا برای قاضی ضروری است. زیرا ماهیت این جرایم به دعوی مدنی نزدیک است. ضمن اینکه در سایر جرایم وصف شاکی توسط قانونگذار تعیین و مشخص می‌شود و تنها بر این اساس است که شخص تحت عنوان شاکی وارد دعوا می‌شود.

در این راستا، حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی به طور کلی بر دو مبنا توجیه و تبیین می‌شود. نخستین توجیه و دلیل در این زمینه، حمایت و کمک به بزه دیدگان است. دومین توجیه، حمایت از منافع عمومی جامعه و تعقیب و پیگیری جرایم در جامعه است.^۱

در راستای کمک و همراهی، امروزه بزه دیده، در جرایم حق الناسی به سبب ورود آسیب و زیان به زیان دیده تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی، از جایگاه نسبتاً مناسبی برخوردار است. در گذشته عمده توجه به متهم و پاسداشت حقوق وی معطوف بوده و بزه‌دیده کمتر مورد توجه واقع می‌شد. امروزه این باور در حقوق کیفری حاکم است که در تمامی بخش‌ها و اجزاء فرآیند دادرسی کیفری باید با وضع قواعد مناسب از حقوق بزه‌دیده به عنوان شخصی آسیب پذیر حمایت به عمل آید و تحت تأثیر این رویکرد دانشی جدید تحت عنوان «بزه دیده شناسی حمایتی» تولد و رشد پیدا کرد.

این اندیشه نوید حمایت، همراهی و توجه بیشتر نسبت به حقوق از دست رفته بزه‌دیده را دو چندان می‌کند.

در همین راستا، جامعه نیز نمی‌تواند نسبت به حقوق از دست رفته بزه‌دیده ساکت و منفعل باقی بماند. زیرا همبستگی و پیوند میان اعضای جامعه می‌طلبد که آنها نسبت به هم بی تفاوت نباشند و در زندگی جمعی نسبت به برطرف کردن مشکلات یکدیگر کوشا باشند. یکی از مهم ترین راه‌های مشارکت جامعه در این مسیر، ایجاد، تقویت، سازماندهی و دخالت دادن سازمان‌های غیردولتی با هدف پیگیری حقوق بزه‌دیده است.

در جرایم حق الهی علاوه بر بزه‌دیدگان احتمالی، جامعه نیز دارای حق واکنش مناسب قلمداد می‌شود. زیرا این چنین فرض می‌شود که جامعه نیز از پیامدهای ناشایست و ناگوار این گونه جرایم آسیب می‌بیند و بدین ترتیب حق پیگیری جرم را پیدا می‌کند. با ایجاد تشکیلات نوین در فرآیند دادرسی از قبیل نهاد «مدعی العمومی» و یا همان دادسرا، «دادستان» به نمایندگی جامعه دارای این حق است. ولی با این حال باید خاطر نشان کرد که «در غیر جرایم حق الناسی که تعقب مجرم منوط به شکایت شکی خصوصی است و در غیر جرایمی که جنبه

۱. مظفری، سیما؛ «نقش سازمانهای مردم نهاد در فرایند دادرسی عادلانه جرائم کودکان و نوجوانان در ایران و فرانسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹.

شخصی آن‌ها غالب است و مردم توصیه به ستر آن‌ها شده‌اند، مردم عادی می‌توانند نقش مهمی در اعلام وقوع جرم به مراجع ذی صلاح تعقیب و رسیدگی ایفا کنند. در یک جامعه اسلامی، احساس تکلیف شرعی انگیزه مضاعفی ایجاد می‌کند تا شهروندان سهم خود را در سرکوب جرم و مجرم ایفا کنند.^۱

روشن است که اگر بزه دیده شخص حقیقی باشد و یا در قلمروی اشخاص حقوقی باشد، یا به عبارت دیگر، منابع خصوصی اشخاص حقوقی در قالب جرایم مورد تعدی و یا تجاوز قرار بگیرد، همان شرایطی که برای اقامه دعوی اشخاص حقیقی لازم است، باید در مورد اشخاص حقوقی رعایت شود. مشکل زمانی است که اشخاص حقوقی بخواهند برای دفاع از منافع عمومی وارد عمل شوند.^۲

حال آیا می‌توان در کنار بزه دیده و نهاد دادستانی در جریان آیین دادرسی کیفری اشخاص دیگری را جهت کمک و همراهی بزه دیده اختصاص داد؟ در پاسخ به این پرسش باید توجه کرد که امروزه در نظام‌های مختلف دادرسی کیفری در خصوص پذیرش دادستان به عنوان نماینده عموم مردم در فرآیند دادرسی کیفری به خود تردیدی راه نمی‌دهند. اما در مورد دامنه‌ی حضور و قلمروی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در نظام‌های مختلف حقوقی دیدگاه‌های یکسانی وجود ندارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

با این حال، در روزگار کنونی بنا به دلایل و مصالح مختلف از قبیل حمایت مؤثر از بزه دیده، مشارکت جامعه در برگرداندن نظم و امنیت از دست رفته و بسیج افکار عمومی به منظور مقابله با جرایم و ناهنجاری‌ها مشارکت نهادهایی از قبیل نهادهای عمومی و رسمی چون دادسرا و نهادهای غیررسمی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد پذیرفته شده است.^۳

ممکن است در مقابل این دیدگاه بیان شود که پیگیری و تعقیب جرایم عمومی از وظایف عمومی حاکمیت‌ها است و اشخاص خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی (مانند سازمان‌های غیردولتی) تکلیف و وظیفه‌ای در این زمینه بر عهده ندارند. دولت‌ها از طریق دادسرا و جمع‌آوری ادله مناسب و اعتراض نسبت به احکام بدوی نقش خود را در این زمینه ایفاء می‌کنند. ولی باید اذعان کرد که مشارکت سازمان‌های غیردولتی تعارضی با استدلال بالا ندارد؛ زیرا سازمان‌های غیردولتی به عنوان «چشم‌بیدار» جامعه و حکمیت به عنوان یار و مددکار دادستان به

۱. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳، ص ۲۲۱.

۲. Prade Jean, *Procedure Penale, Editions Cujas. 13 edition, 2006, p. 280.*

۳. رستمی، ولی؛ «سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۶۸.

شمار رفته و با حضور فعالی که در سطح جامعه دارند نقش انکارناپذیری در کشف و تعقیب جرایم و به طور کلی پیشگیری از جرایم در سطح جامعه بر عهده دارند. از سوی دیگر با توجه به تخصصی بودن سازمان های غیردولتی و شناخت دقیق و همه جانبه‌ای که از بخش های اجرایی دارند به صورت دقیق و شفاف و با ارائه دلایل متناسب میتوانند گام‌های چشمگیری در مسیر تأمین امنیت کشور ایفاء کنند^۱.

گفتار سوم: مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در پرونده‌های راجع به حقوق و اخلاق شهروندی

برای حقوق و اخلاق شهروندی و شهروند تعاریف متعددی ارائه شده که برخی از این تعاریف تنها ناظر به مسیر «تابعیت» در شناساندن شهروند هستند و برخی دیگر به مفهوم «اقامت» نیز نظر دارند که به بیان آنها می‌پردازیم:

«شهروند به کسی گفته می‌شود که به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی یعنی دولت^۰ کشور دارای حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی است. شهروندی ربطی وثیق با مقوله‌ی تابعیت دارد». این تعریف شامل یک واحد سیاسی را به عنوان شهروند تلقی کرده است. بدون آنکه الزام به حضور فیزیکی و اقامت در آن مکان را شرط کرده باشد.

در تعریف دیگر که ناظر به حقوق شهروندی است چنین آمده «حقوق شهروندی، پاره‌ای از حقوق فردی و جمعی انسان‌هایی است که در محدوده جغرافیایی کشور خاصی سکونت دارند. شهروندی، وضعیتی است که به افراد یک جامعه ملی اعطا شده است^۲».

از قسمت نخست این تعریف می‌توان نقش عنصر اقامت در برخورداری از حقوق شهروندی را استخراج کرد. اما در قسمت دوم، عبارت «افراد، یک جامعه‌ی ملی» و تأکید بر عنصر ملیت نشان می‌دهد که هم‌چنان حقوق شهروندی به تابعان یک واحد سیاسی اختصاص پیدا می‌کند، زیرا جزء افراد یک ملت محسوب شدن، مستلزم داشتن رابطه‌ی تابعیت با آن حاکمیت است. به اعتقاد برخی از حقوق دانان کلیه‌ی افراد مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که تحت قدرت آن دولت کشور باشند، به عنوان شهروند تلقی می‌گردند^۳.

۱. بابایی، جابر؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرایم نوجوانان در حقوق ایران و اسنادالزام آور سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری - دادگستری، ۱۳۸۹، ص ۵۹.

۲. تقی‌پور، سیروس، حقوق شهروندی و قوه‌ی قضاییه، مجله‌ی دادرسی شماره‌ی ۸۹، آذر و دی ۱۳۹۰، ص ۳۴.

۳. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوقی اساسی، انتشارات میزان، چاپ بیست و دوم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۵۹.

با ملاحظه‌ی اصول قانون اساسی در فصل سوم که به «حقوق ملت» اشاره دارد و می‌توان آن را تا اندازه‌ای مرادف با «حقوق شهروندی» دانست. چرا که دور از منطق قانونگذاری است که مهمترین حقوق افراد یک سرزمین در اصلی‌ترین سند حاکمیت آن بیان نگردد- می‌توان دریافت که برخی از این حقوق به ویژه حقوق مدنی برای اشخاصی که مقیم ایران هستند ولی تابعیت کشور ما را ندارند، قابلیت اعمال خواهد داشت.

هرچند تابعیت عنصر ذاتی حقوق شهروندی قلمداد شده اما بی‌توجهی به عنصر اقامت، آن هم اقامت قانونی در یک سرزمین با ملاحظات حقوق بشری که حقوق شهروندی در راستای آن پیش‌بینی شده است منافات خواهد داشت. زیرا دولت‌ها موظف به تضمین حقوق کلیه‌ی افراد داخل در قلمروشان هستند و نه فقط اتباع خویش.

از سوی دیگر یکی از اقسام حقوق شهروندی، حقوق اجتماعی است. ماده ۲۶ ق.م.ا. این دسته از حقوق را برای افراد مقیم در قلمرو حاکمیت ایران نیز پیش‌بینی کرده است. که دلیلی بر صحت ادعای ما خواهد بود. کرچه طبیعی و عقلانی است که همه‌ی حقوق شناخته شده برای تابعان را نباید به افراد غیر تابع ساکن در کشور تسری داد، اما قائل شدن برخی حقوق شهروندی برای آنها غیر موجه نخواهد بود.

شهروندی نماد هویت جمعی اشخاصی است که در آن کشور سکونت گزیده‌اند. بنابراین در برخورداری و مطالبه‌ی آن حقوق، تفاوتی میان اتباع و غیر آن نباید وجود داشته باشد.^۱ گرچه روابط شهروندی با یکدیگر نیز داخل در معنای شهروندی است، اما عموماً در موازنه‌ی شهروندی، در مقابل شهروند، دولت قرار می‌گیرد و حقوق و تکالیف شهروندی در مقابل حقوق و تکالیف دولت تعیین می‌گردد.

حقوق شهروندی دامنه‌ی وسیعی دارد و شامل حقوق مدنی (از جمله آزادی بیان، حق مالکیت، برابری در برابر قانون، حق امنیت برای همه‌ی افراد به ویژه بیگانگان اقلیت‌ها و ...)، حقوق سیاسی، حق رأی، آزادی دسترسی به اطلاعات، امکان فعالیت و مشارکت سیاسی و ...». حقوق اجتماعی، اقتصادی «حق مالکیت فرصت شغلی برابر، تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و بهداشتی و ...». حقوق فرهنگی «حفظ سنت‌ها و شیوه‌های زندگی، داشتن ارتباطات فرهنگی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی و بومی و ...»، حقوق قضایی «دادخواهی، بهره‌مندی از اصل برائت، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، برخورداری از وکیل، رسیدگی علنی و بدون تبعیض و ...» می‌شود.

۱. السان، مصطفی، حقوق شهروندی از چشم انداز نظریه‌ی شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران، مجله‌ی حقوق بشر، جلد ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۲.

شهروندی مفهومی پویاست که زاینده‌ی حقوق متعددی برای شهروند می‌باشد. ویژگی کلیدی نهفته در کلیه‌ی حقوق شهروندی، «وجود اخلاق مشارکت» است. بنابراین شهروندی، موقعیتی است که فرد با قرار گرفتن در آن می‌تواند زندگی خود را در قلمروی حاکمیتی براساس تعاملات و وابستگی‌های متقابل بر مبنای حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی تعریف نماید. در قوانین موضوعه، شهروندان با عناوین مختلفی هم‌چون مالک و مستأجر (قانون روابط مؤجر و مستأجر)، کارگر و کارفرما (قانون کار)، تولیدکننده، عرضه‌کننده و مصرف‌کننده (قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان)، و ... تعریف شده‌اند. بنابراین شهروندان مصادیق وسیعی را شامل می‌شود.

در یک دسته‌بندی می‌توان حقوق شهروندی را در مجموعه‌ی حق^۱ طلبها قرار داد که در مقابل حق آزادی‌ها قرار می‌گیرد. مقصود از حق^۲ طلب‌ها آن دسته از حقوقی است که نیازمند مداخله‌ی مثبت دولت است. وگاهی «حق بر...» نامیده می‌شود. مانند حق بر کار، حق برآموزش، حق برتأمین اجتماعی، حق بر بهداشت عمومی که دولت به برآوردن این حقوق متعهد می‌باشد.^۱ حقوق شهروندی همانند حقوق ملت مفهوم مشخصی ندارد. از یک سو، می‌توان آن را ناظر به حق‌های متعلق به فرد انسان‌ها دانست و از سوی دیگر می‌توان آن را در معنای حق‌های جمعی عامه مردم به کار گرفت. مانند حق بهره‌مندی از محیط زیست، برخورداری از سطح بالای بهداشت عمومی، حمایت ویژه از افراد آسیب‌پذیر، حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و معماری، دادرسی عادلانه و از این قبیل حقوق که خصلت بارز آنها بهره‌مندی و مسئولیت‌همگانی در قبال تحقق آنهاست.^۲ به نظر هر دو معنی را می‌توان داخل در مفهوم حقوق شهروندی نمود. بنابراین حقوق شهروندی به گونه‌ای شامل تمامی موارد مندرج در ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری می‌شود.

شاید دلیل قانونگذار برای ذکر این موضوع بعد از تمامی موضوعات مندرج در ماده همین مطلب بوده باشد. نقض این حقوق، گاهی بزه دیده‌ی خاص دارد. و در مواردی هم بعد جمعی به خود می‌گیرد. و با منافع و مصالح آحاد جامعه مرتبط می‌شود. و در زمره‌ی جرایم بدون بزه دیده‌ی خاص قرار می‌گیرد.

در حال حاضر در رابطه با حقوق شهروندی، تنها قانون مستقلی که با این نام وجود دارد،

۱. سلطانی، ناصر؛ حقوق اجتماعی یا حقوق شهروندی؛ نمونه‌ای از آشفتگی مفاهیم در نظام حقوقی ایران، مجله‌ی مجلس و راهبرد، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۰۴.

۲. کاظمی، علی؛ موانع و چالش‌های تدوین لایحه‌ی حمایت از حقوق شهروندی در ایران، مجله‌ی دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۲۲.

قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ می باشد. در این قانون کلیه محاکم و ضابطان و مسئولان قضایی مکلف به رعایت مقررات مندرج در این قانون شده اند. حقوق گفته شده در آن تنها ناظر به متهم و حقوق مربوط به دادرسی است که پیش تر از این در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری بدان اشاره شده بود.

حقوق شهروندی به حقوق افراد در دادرسی قضایی و آن هم در موضع اتهام محدود نمی شود. حقوق شهروندی شامل کیفه ی مواردی است که پیش تر بر شمرده شد؛ بنابراین تضمین و حمایت از حقوق شهروندی نیازمند اقدامی جامع تر و دقیقتر است. به گونه ای که حقوق مصرح در قانون اساسی در این باب را (حقوق ملت) به صورت مفصل و همه جانبه تشریح نماید. این خالاً به دلیل نابسامانی و آشفتگی در دستگاه مفاهیم حقوقی و اصول تقنینی در ایران است. که غالباً تعریف موضوع و بیان مصادیق آن معقول می ماند.

با وجود ایرادات وارده به قانون مذکور، تصویب آن، گامی مهم در راستای حفظ و حمایت از حقوق شهروندی در بعد دادرسی محسوب می شود. به علاوه آنکه این قانون در خصوص کلیه ی افراد مقیم در ایران و نه تنها تابعین^۵ قابلیت اجرا دارد. رعایت حقوق شهروندی در جریان دادرسی، در ماده ۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز تأکید و برای عمل به آن ضمانت اجرای قانونی پیش بینی شده است.

برای سازمان های مردم نهاد در جلب اعتماد مردم و اطلاع از موارد نقض حقوق شهروندی، اعتبار زیادی قابل تصور است، زیرا ساختار مردمی و غیر دولتی داشته و همواره نوع فعالیت خود را براساس خواسته ها و نیازهای اعضای جامعه تعیین می نمایند.

اصل ۸۰ ق.ا. که به بیان امر به معروف و نهی از منکر و حقوق متقابل دولت و مردم تصریح دارد، خود نمونه ای از حقوق شهروندی است. حضور و مشارکت انجمن های غیردولتی بر پایه ی همین اصل بنا شده است. یعنی مبنای حضور سمن ها جلوه ای از حقوق شهروندی نیز محسوب می شود. از سوی دیگر تشکیل و فعالیت این سازمان ها در حیطه ی حقوق مدنی شهروندی قرار می گیرد.

سمن ها از طریق اعلام جرایم و موارد نقض حقوق و آزادی های شهروندی، هم قربانی و قربانیان را کمک و حمایت می نمایند. و هم ارزش ها و حقوق شهروندی را بهتر و شفاف تر بر همگان روشن می سازند. از سوی دیگر، پیش بینی ساز و کارهای نوین و مؤثر برای حضور قانونمند سمن ها در فرآیند دادرسی کیفری، گامی مهم در جهت حمایت همه جانبه از حقوق شهروندان تلقی می گردد.

البته باید این نکته ذکر شود که سازمان مردمی که مستقلاً با این عنوان فعالیت کنند، در کشور ما به ندرت دیده می شود. حال آنکه در اکثر کشورهای متمدن از جمله فرانسه، سوئد و

نروژ که در زمینه‌ی نهادهای مدنی پیشگام بوده‌اند، سازمان‌های غیردولتی تحت عنوان صدای مردم و عناوینی از این دست گزارش‌ها و فعالیت‌هایی را در مورد چگونگی اجرای قوانین ناظر به حقوق شهروندی به صورت مداوم جمع‌آوری کرده و جهت رسیدگی به مراجع قضایی و دولتی ارسال می‌دارند.

در کشور ما نهادهایی تحت عنوان «ستاد مردمی سیاست از حقوق شهروندی» وجود دارد که از جمله اهداف آنها راه‌اندازی تشکل‌های مرتبط با حقوق شهروندی و نیز پیگیری حقوق شهروندی در کلیه‌ی سطوح است که با توجه به تازگی تأسیس و فعالیت آنها اختیارات و حدود وظایف آنها مشخص نمی‌باشد.

در سطحی بالاتر در قوه قضاییه کمیسیون حقوق شهروندی تشکیل شده که متأسفانه قدرت اجرایی چندانی ندارد و نمی‌تواند به صورت جدی موارد نقض را بررسی کند. از سوی دیگر عدم گزارش دهی موارد نقض از سوی مراجع قضایی تخلفی را متوجه‌ی آنها نمی‌کند.

در برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه به منظور صیانت و رعایت حقوق شهروندی تدابیری اندیشیده شده است.^۱ در مواد ۱۰۰ و بند (ه) ماده ۱۳۰ قانون برنامه‌ی چهارم، دولت و قوه قضاییه موظف به تهیه‌ی «منشور حقوق شهروندی و لایحه‌ی حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» شده‌اند. به نظر می‌رسد تهیه‌ی منشور برای حمایت از این حقوق ناکافی باشد؛ زیرا منشور جنبه‌ی اعلامی و اخلاقی داشته و فاقد ضمانت اجراست. بنابراین خلأ تقنینی اساسی در این رابطه هم چنان احساس خواهد شد.

اعطای حق اعلام جرم و اعتراض نسبت به آرای محاکم برای سمن‌ها، خود به گونه‌ای رعایت حقوق شهروندی است. زیرا مطابق اصل ۳۲ ق.ا. دادخواهی حق مسلم هر شخصی است و این حق نیز برای سمن‌ها که هدفی جز حفظ و حمایت از منافع و مصالح عمومی شهروندان ندارند، پابرجا و پذیرفتنی است. اعتراضی که سمن‌ها نسبت به آرای محاکم می‌نمایند به خصوص در مواقعی که بزه دیدگان، جمعی از شهروندان بوده یا به طور کلی با حقوق شهروندی متعارض باشد، اقدامی به جا و تضمین‌کننده‌ی بهداشت قضایی خواهد بود.

این مهم تنها از رهگذر وظایف قوه قضاییه یعنی صدور آرا و اجرای ضمانت اجراها تأمین نمی‌گردد. بلکه مشارکت بخش مردمی در تحقق این حقوق و آزادی‌ها و پیگیری و مطالبه‌ی آنها، بسیار مؤثرتر و کارآتر ارزیابی می‌شود، بنابراین نقش سازمان‌های غیردولتی در این مهم انکارناپذیر خواهد بود.

۱- مواد ۱۰۰ و ۱۰۲ قانون بر تقصر چهارم و ماده ۲۷۱ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه در قسمت‌های بسته‌های اول الی سوم.

نتیجه گیری

حضور سازمان های مردم نهاد در دادرسی کیفری به دلیل لزوم رعایت مصلحت اجتماع و حفظ نظم عمومی و مشارکت هرچه بیشتر جامعه ی مدنی در عرصه های مهم مورد توجه می باشد. این سازمان ها در بسیاری از عرصه های جامعه ی جامعوی، کارایی بالا داشته و در صورت فراهم بودن فرصت های حمایتی، خواهند توانست پا به پای بخش دولتی و حتی بیش تر از آن حرکت نمایند؛ جدیدترین عرصه ی حضور و فعالیت سمن ها در حیطه ی فرایند دادرسی و رسیدگی به دعاوی کیفری راجع به مواضع مورد حمایت آنهاست. تدوین کنندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری از میان تعداد فراوان سمن های فعال در کشور تنها هشت سازمان را مورد عنایت قرار داده و مجاز به ورود در جریان دادرسی دانسته اند. هرچند جای آن بود که برخی دیگر از سازمان های فعال در زمینه های گوناگون نیز مشمول این ماده قرار می گرفت، اما شاید حساسیت و نیاز به حمایت ویژه از نظر تدوین کنندگان به این موضوعات معطوف بوده است.

افراد جامعه از جمله بزه دیدگان یا افراد مطلع از وقوع جرایم مربوطه نیز باید با اعتماد به سمن ها، جرایم واقع شده را به اطلاع آنان برسانند تا سمن ها نسبت به پیگیری امر و کمک و حمایت آنها اقدام نمایند. همکاری متقابل میان سمن ها و مردم در زمینه های مختلف و از جمله موارد هشتمگانه مذکور در ماده علاوه بر اینکه به کاهش رقم سیاه بزه کاری کمک مؤثری خواهد کرد، در بسیاری موارد قاطعیت و حضور مردم است که می تواند روند رسیدگی به یک پرونده را به پیش برد. به خصوص در مورد جرایم علیه حقوق شهروندی و نیز سایر جرایم مندرج در ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری؛ امروزه در خصوص اخلاق و حقوق شهروندی، سازمان های مردم نهاد زیادی فعالیت می کنند، به گونه ای که برای یک موضوع چندین سمن در سراسر کشور فعال می باشند. همکاری متقابل این سازمان ها در حوزه های مشترک فعالیتی خود، به صورت شبکه و گزارش دهی منظم از وضعیت موضع حمایتی و میزان فعالیت هایشان به یکدیگر، می تواند در تقویت حضور و مشارکت سمن ها مؤثر باشد. از سوی دیگر، برای بسیاری از موضوعات گفته شده به عنوان متولی و متصدی امور آنها وجود دارد؛ که از جمله وظایف آنها پیگیری قضایی جرایم واقع شده در این حوزه ها می باشد، با وجود این نهادهای دولتی، مداخله ی سمن ها در دادرسی تا حدی غیرضروری به نظر می رسد؛ اما اینگونه نیست، ارتباط متقابل و دو جانبه ی سمن ها و سازمان های دولتی با یکدیگر از یک سو به کنترل اجتماعی و تعمیق نظارت و حفاظت از این امور در جامعه و از سوی دیگر، در بعد قضایی به کشف جرایم، جمع آوری دلایل، شناسایی مرتکبان و حصول نتیجه دلخواه کمک شایانی خواهد کرد. هرچند مسئولیت اصلی این موضوعات بر عهده ی یک نهاد دولتی نهاده شده اما مشارکت سمن ها نیز به حکم قانون می باشد و حضور آنها در دادرسی با رعایت وظایف و اختیارات سازمان های دولتی

و در قالب همکاری با آنها، اقدامی ثمربخش و درخور توجه خواهد بود.

پیشنهادات

۱. به لحاظ تقنینی، می‌بایست قانونگذار احکام و مقررات ناظر بر هریک از انجمن‌های فعال در حوزه‌های هشتگانه‌ی مذکور در ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری را به مانند قانون فرانسه به صورت مجزا بیان کند؛ چرا که ماهیت هریک از این موضوعات با یکدیگر متفاوت است. در برخی از موضوعات عرصه برای حضور و مداخله‌ی سمن‌ها وسیع‌تر است و در برخی موارد که پای سازمان یا نهاد دولتی ذیربط و مسئول در میان باشد، همکاری و تقابل سازمان مردمی با سازمان دولتی، رعایت ملاحظات خاصی را اقتضا می‌کند.
۲. شروع فعالیت و حضور سمن‌ها در دادرسی با کشف و آگاهی از ارتکاب جرم و اعلام آن رقم می‌خورد. بنابراین در حوزه‌ی اجتماعی می‌بایست با آموزش و فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی مردم (اعم از بزه‌دیده، خانواده و سرپرست قربانی، شهود و مطلعین و ...) نسبت به کمک‌ها و حمایت‌های سازمان‌های فعال در حوزه‌های مربوطه در امور دادرسی و پیگیری جرایم، بستر مناسبی را برای اعمال اختیارات و نقش سمن‌ها در فرآیند کیفری ایجاد کرد.
۳. ضرورت دارد در شاخص‌سازی و معین نمودن مصادیق حقوق شهروندی و راهکارهای اجرایی آن توجه ویژه صورت پذیرد. عنوان تشکل‌های حامی حقوق شهروندی، عنوان عامی است که بسیاری از مصادیق سازمان‌های غیردولتی را در بر دارد و سبب گسترش دامنه‌ی یماده ۶۶ آ.د.ک می‌گردد. بنابراین در آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده می‌بایست مقصود از این قسم از سازمان‌های مردم‌نهاد روشن شود.

فهرست منابع

۱. السان، مصطفی، حقوق شهروندی از چشم انداز نظریه‌ی شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران، مجله‌ی حقوق بشر، جلد ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۲. بابایی، جابر؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرایم نوجوانان در حقوق ایران و اسنادالزام آور سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری - دادگستری، ۱۳۸۹.
۳. تقی پور، سیروس، حقوق شهروندی و قوه‌ی قضاییه، مجله‌ی دادرسی شماره ۸۹، آذر و دی ۱۳۹۰.
۴. تیلار، پروانه، تأملی بر حقوق سازمان‌های غیردولتی در نگاهی ایرانی، اطلاع‌رسانی حقوقی، ۱۳۸۳، شماره ۵ و ۶.
۵. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۶. سلطانی، ناصر؛ حقوق اجتماعی یا حقوق شهروندی؛ نمونه‌ای از آشفتگی مفاهیم در نظام حقوقی ایران، مجله‌ی مجلس و راهبرد، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۸۵.
۷. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۵، انتشارات دراک.
۸. رستمی، ولی؛ «سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۹. رضایی قوام آبادی، محمد حسین؛ مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه؛ از تأسیس تا فعالیت؛ مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۱۰. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوقی اساسی، انتشارات میزان، چاپ بیست و دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. کاترین، اس. ویلیام فر، حمایت از بزه دیده و نهادهای مردمی، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.
۱۲. کاظمی، علی؛ موانع و چالش‌های تدوین لایحه‌ی حمایت از حقوق شهروندی در ایران، مجله‌ی دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶.
۱۳. گلشن پژوه؛ محمدرضا؛ راهنمای سازمان‌های غیردولتی، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
۱۴. محمدی، محمد؛ سازمان‌های غیردولتی، تعاریف و طبقه‌بندی‌ها، فصلنامه مطالعه مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۴۲-۴۱، ۱۳۸۳.
۱۵. مظفری، سیما؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند دادرسی عادلانه جرایم کودکان و نوجوانان در ایران و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه

طباطبایی، ۱۳۹۰.

۱۶. مهمدی، گلشن؛ «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۲.

۱۷. نوریان، ایوب؛ «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری»، همایش ملی قانون‌آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد در سال ۱۳۹۴.

18. Ryfman, philippe, Les ONG, la Decouverte, paris, 2009.

19. Resolution 1996/ 31 of the Economic and Social council: Consultative relationship between the United Nations and non ° governmental organizations.

20. Kareem Elbayer, NGO Laws in Selected Arab States International Journal of Not ° for ° Profit Law, vol, no. 4. September 2005.

1. Prade Jean, Procedure Penale, Editions Cujas. 13edition , 2006

